

## انتقال از ترجمه قرآن پاینده

همیشه آرزو میکردم که هنگامی برسد که کتاب دینی ما مسلمانان ایرانی بزبان فارسی روان و عوام فهم چاپ و منتشر گردد.

جزو آرزوهای جوانی من یکی هم این بود که ببینم ترجمه فارسی قرآن کریم آنقدر رایج و فراوان شود که حتی برایگان دردسترس هر کس قرار بگیرد و در هر خانه ای یکجمله از آن باشد.

چقدر غصه مبخوردم موقعی که میشنیدم که این کار را عده ای محدود که دین را دکان خود میدانند و از ترس اینکه مبدا بازارشان کساد شود حرام و کفر قلمداد میکنند و امثال تفسیر ملاحظه را متعمداً ترویج نمی نمایند.

تا ستم آن موقع شدید بود که شنیدم در سنوات اخیر رئیس جامع الازهر مصر رادیو تهران را اذن نشر ترجمه قرآن بر حذر داشته و با اصطلاح تحریم مدرسین دانشگاه مزبور را با اطلاع اداره نامبرده رسانیده و بر اثر آن اداره رادیو صبهها مدتی اذن نشر ترجمه قرآن خودداری نموده است.

باری بیوسته گوش بزنگ بودم که خبر انتشار ترجمه قرآن را بزبان روز بشنوم تا اینکه مطلع شدم این اواخر چند نفر بترجمه قرآن اقدام نموده و حتی مثل مجلات ماهانه جزوه بجزوه منتشر کرده اند بسیار شائق شدم بعد از تجلید و انتشار کامل آنها را بدست آورم اتفاقاً چند روز پیش دو ترجمه یکی بقلم پاینده و دیگری نوشته قمشه ای دردسترسم قرار گرفت قبل از اینکه دومی را تحت مذاقه قرار دهم اولی را مطالعه کردم و با یک نظر متوجه شدم که آقای پاینده با اینکه بسیار زحمت کشیده و از یک عده اساتید تقریظ گرفته اند مناسبانه در موقع ترجمه بیشتر بترجمه های تحت اللفظی قرآن که در زمان قاجاریه چاپخانه ها ابتکار!

کرده در حقیقت نمیتوان آنها را ترجمه نامید بلکه باید از چاه بیچاره افتادن دانست توجه نموده و در نتیجه از نظر عدم تطبیق با تفاسیر معتبر و قواعد انشا و رسوم ترجمه مرتکب اشتباهات عجیبی شده است.

لذا لازم دانستم نظرات خود را با خوانندگان این مجله در میان نهم قبل از شروع مطلب اجازه دهید عقیده خود را در این باره اظهار کنم:

من معتقدم دیر یا زود باید ترجمه ای صحیح از قرآن مجید با تصویب اشخاص ذیصلاح چاپ و بین مردم مجا نامنتشر گردد تا قدم مؤثری برای اصلاح اجتماعی ایرانیان مسلمان برداشته شود آخر چرا بیروان همه مذاهب باید کتاب مقدسشان قابل فهم آنان باشد ولی ما ایرانیان

از این مزیت محروم شویم پس سر و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه چیست؟ تا کی  
بیخبری و گمراهی؟

کمان نمیکند در این زمان کسی وجود داشته باشد که بگوید خواندن قرآن بدون توجه  
و فهم معانیش ثواب دارد.

البته باید همه بدانند که قرائت قرآن آن موقع توأم با ثواب است که بمعنای کلماتش توجه  
شود تا خواننده برای عمل اسلامی آماده گردد شما فکر میکنید که اگر در یوزه ای کثیف  
در گورستان قرآن مقدس بدست گیرد و برای مردمی بی توجه و نافهم بخواند برای مرده ها  
ثواب برود؟!!

اینک با موافقت شما وارد بحث میشویم اگر این کار را با تمام نتوانم برسانم اقل افتخار  
شروع را داشته باشم شاید کسان دیگری پیدا شوند و انتقادات مرا تکمیل نمایند اینرا هم  
بگویم در تصحیح جملات مترجم سعی کردم از حدود گفته های ایشان حتی المقدور  
خارج نشوم.

### ذالك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین :

این کتابیست که بیگمان هدایت برهیز کاران در آنست (با توجه باصح و اظهر اقوال  
مفسرین اینطور باید ترجمه شود) :

شکی نیست در اینکه این کتاب راهنمای برهیز کارانست .

الذین یؤمنون بالغیب : کسانی که نادیده را باور میکنند .

(منظور از غیب عالم ماوراء الطبیعه است) ترجمه صحیح اینست :

کسانی که بعالم نهان از چشم، معتقد میشوند .

و بالآخره هم یوقنون : بدنیای دیگر یقین دارند .

(آخرت را دنیای دیگر نامیدن بسیار عامیانه است) :

صحیح : بوجود عالم آخرت آنان یقین میکنند .

ان الذین کفروا : کسانی که بکفر خو کرده اند .

(خو کردن چرا معنی کنیم؟)

س : قطعاً کسانی که کافر شده اند .

وعلی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة و لهم عذاب عظیم :

و بر گوش و چشمهایشان پرده ای هست و عذابی بزرگ دارند .

(عذابی بزرگ دارند چیست؟)

س : و بر گوششان و چشمهایشان پرده ایست و برای اینان عذابی بزرگ مقرر

است .

ومن الناس من يقول آمنا بالله وباليوم الآخر وما هم بمؤمنين!

بعضی مردم گویند بخدا و دنیای دیگر [ایمان داریم ولی ایمان ندارند (دنیای دیگر از آن حرفهاست !! بعلاوه هر بچه مکتبی میفهمد که آخر بفتح خاء بمعنی دیگر ولی بکسر بمعنی آخرت و انتها است دیگر اینکه بواو حالیه توجه نشده است)

س: بعضی از مردم میگویند بخدا و روز آخرت ایمان آوردیم در حالیکه آنان مؤمن نیستند.

يخادعون الله والذين آمنوا وما يخدعون الا انفسهم وما يشعرون: خدا و مومنان را فریب میدهند اما جز خودشان را فریب نمیدهند ولی نمیفهمند.

(اگرچه بعضی از مترجمین تحت اللفظ اینطور نوشته اند ولی بهیچوجه روا نیست که چنین سخنی را تفوه کنیم و بگوئیم که خدا را فریب میدهند و بعلاوه نباید بخادع بایخضع یعنی مزید و مجرد یکجور معنی شود)

س: با خدا و اهل ایمان فریبکاری میکنند در صورتیکه تنها بخود خدعه میکنند و خویشان را فریب میدهند و تصورشان نمیرسد (که این موضوع را درک کنند).

ولهم عذاب الیم بما كانوا یكذبون: برای دروغ گفتنشان عذابی الم انگیز دارند.

(الیم الم انگیز نیست باز اگر الم آمیز میگفت مناسبتر بود و گذشته از این وقتی که کان با فعل مضارع استعمال شود چنین مضارعی معنی ماضی بعید را میدهد مثلا کان یکتب یعنی نوشته بود - کنت اجلس یعنی نشسته بودم)

س: و برای آنان بهوض آن دروغها که گفته بودند عذابی دردناک در پی است. الا انهم هم المفسدون ولكن لا یعلمون: بدانید که آنها خودشان تباهاکارانند اما نمیفهمند.

اولا الاحرف تنبیه است معنی بدانید نمیدهد ثانیا اگر مشارالیه جمادات است میتوانیم آنها تلفظ کنیم ولی اگر انسانست باید آنان بگوئیم)

س: آگاه باش مسلمانان خودشان تباهاکارانند ولی نمیدانند.

واذا قیل لهم آمنوا: چونکه گویندشان ایمان آورید.  
(گفته شود مناسبتر از گویند است)

س: و وقتیکه با آنان گفته شود ایمان آورید.

قالوا آمنا: گویند ایمان داریم.

(ایمان داریم مناسب با آمنا نیست)

# بحث و انتقاد

بقلم: آقای سید محمد تائب

## رستگاری مردان و زنان

### در پذیرفتن فرمان خداست

روی سخن در این مقاله بسوی کسانی است که پیوسته در صد درک و فهم حقایق میباشند و بنایشان بر این است که اگر مطلبی را حسابی و منطقی یافتند بپذیرند و شانه خالی ننمایند والا آنانکه کفششان پر از دریک و دلشان پر از غرض و مرض است و یا آنکه اصلا قوه و استعداد درک مطالب را ندارند حسابشان نشسته پاک است مغرض و نافعهم یکی از روی غرض و دیگری بسبب نفهمی زیر بار حقایق نمیروند و بدیهی است زیر بار نرفتن و نپذیرفتن ایشان، حقایق را تغییر نمیدهد و واقع را دگرگون نمی سازد. برخی از مردم چنین می پندارند که پردگی بودن زنان باعث انحطاط و عقب ماندگی ایشان و موجب فلج شدن نیمی از جامعه میگردد و بقدری در این باب غلو و زیاده روی نموده اند که چادر را بکفن تعبیر و تشبیه کرده برداشتن آن را سبب ترقی و بالا آمدن سطح معرفت و رشد افکار زنان میدانند این مسئله از جمله مسائل

→ ص: گویند ایمان آورده ایم.

الله یستهزی بهم: خدا تمسخرشان را تلافی میکند.

(تلافی از کجا آمده؟)

ص: خدا آنرا تمسخره میکند.

وعدهم فی طغیانهم یعمهون: و در طغیان میکشاند تا کور دل بمانند.

(بما راجعه بتفاسیر معتبر اینطور باید ترجمه شود):

ص: مدتها ایشانرا در سرکشی و طغیانشان رها میکند تا سرگردان بمانند

ناتمام